

حکام عرف و "محاکم شرع" زمان

مستشارالدوله چگونه عمل می کردند؟

میرزا یوسف خان در رساله "یک کلمه" به نکته هایی اشاره می کند که تا حدی گوشه هایی از وضعیت، اگر بتوان گفت، "نظام حقوقی" حاکم بر ایران را در آن زمان نشان می دهد

در "محکمه های عدالت" هنوز یک کتاب قانون وجود ندارد -

کدام یک از "حکام عرف" در دست خود یک کتاب قانون دارند که "با رعا یا که امانت محترمه ی خداوند است" رفتار نمایند

اغلب اوقات اندازه چوب خوردن مقصر موقوف به (لطافت) قلب حاکم است و اگر حاکم قصی - القلب است مقصر در زیر چوب می میرد و الا ناخن هایش می ریزد

هر عقل و هر قانون و هر انصاف تصدیق می کند که تنبیه هرگونه جرایم قبل از وقت باید معین شده باشد - که حکام را از آن اندازه نه قدرت زیادتر باشد نه کمتر

کتاب فقهیه ی اسلام اقوال ضعیفه را نیز حاوی و هر قولی اختلاف کثیر دارد -

در کتاب شرع، مصالح دنیا به امور اخرویه مخلوط و ممزوج است -

قسمت اول

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2012/09/2012-09-15_a.mp3]

قسمت دوم

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2012/09/2012-09-15_b.mp3]

مستشارالدوله در جستجوی "اصول کبیره و اساسیه" به "تفحص" در اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ پرداخت

میرزا یوسف خان مستشارالدوله پس از "تفحص در اجزای" قانون های فرانسه به این نتیجه رسید که "قوانین دنیویه برای زمان و مکان و حال است و فروع قوانین غیر برقرار" و قابل تغییر است. وی همچنین در یافته بود که بر این قانون ها "روح دایمی" حاکم و ناظر است. مستشارالدوله این "روح دایمی" را در "اصول کبیره و اساسیه" ای دیده بود که در سال ۱۷۸۹ "اعلان شده بود." اعلامیه ای که به فرمان لویی بناپارت پس از چند دهه در سال ۱۸۵۲ در ضمیمه قانون اساسی جدید فرانسه قرار گرفته بود.

مستشارالدوله "روح دایمی" نظام حقوقی فرانسه و "سایر دول متمدنه" را چگونه توضیح داد؟ وی "روح دایمی قوانین فرانسه را مشتمل بر بیست و یک فصل" یعنی همان ۱۷ بند اعلامیه حقوق بشر و شهروند سال ۱۷۸۹ دانسته بود. فلسفه سیاسی که اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ بر مبنای آن تدوین گشته بود در تحولاتی ریشه داشت که زمینه آن را فیلسوفان و متفکران "حقوق طبیعی مدرن" از اوایل قرن ۱۷ به بعد فراهم آورده بودند. میرزا یوسف خان به چه میزان با این تحولات در "فلسفه حقوق" آشنایی پیدا کرده بود و چگونه "آن فصول را به عبارت فارسی" بر گرداند؟

تاکید برخی از حقوق دانان بر این نکته که "اعلامیه حقوق بشر رساله ای در حقوق به معنای دقیق آن نیست بلکه بیانیه ای در اصول اساسی حقوق و آزادی ها است یعنی اصول حقوق انسان دوران جدید را بیان کرده است" به چه معناست؟ حقوق در این معنا با آن چه مونتسکیو در باره قانون و "روح قوانین" گفته بود چه نسبتی دارد؟

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2012/09/2012-09-01.mp3]